شهادت تراژیک یحیی سنوار آثار معنوی بسیاری بر نسل آینده مقاومت فلسطینی دارد؛ سنوار فراتر از چریک است، او رمانی دارد به نام «خار و میخک» که در هم تنیده بودن رنج و شیرینی مبارزه را با هنرمندی تمام به تصویر کشیده است

این نسل اسرائیل کُش

طاهره حسنلو
خبرنگار

کتاب «خار و میخک» نوشته یحیی ابراهیم السنوار، رهبر برجسته مقاومت فلسطین و از شاخص‌ترین اسرای سابق زندان‌های رژیم صهیونیستی، یک اثر روایی-تاریخی است که با جزئیات، زندگی روزمره مردم فلسطین، مبارزات و شرایط دشوار اردوگاه‌های پناهندگان در نوار غزه را به تصویر می‌کشد. این کتاب با تمرکز بر زندگی نویسنده در دوران کودکی، همراه با خاطرات شخصی و مبارزات سیاسی به او موضوعاتی چون مقاومت، اسارت و امید به آزادی می‌پردازد.

داستان در زمستان ۱۹۶۷ آغاز می‌شود. یحیی کوچک از روزهای سخت زندگی در اردوگاه پناهندگان فلسطینی در غزه سخن می‌گوید، زمانی که بارش باران‌های سیل‌آسا خانه‌های ساده و کوچک اردوگاه را در آب فرومی‌برد. نویسنده که در سال ۱۹۴۸ از فلوجه به همراه خانواده‌اش به غزه مهاجرت کرده، تجربه‌های تلخ و شیرین خود را در این دوران با جزئیات روایت می‌کند. او به خوبی محیط اردوگاه و شرایط نامساعد زندگی در آن را توصیف می‌کند، جایی که سیلاب‌ها خانه‌ها را نابود کرده و پناهندگان در میان گل‌ولای، برای زنده ماندن تلاش می‌کنند.

یکی از محورهای اصلی کتاب، خانواده نویسنده است؛ به ویژه رابطه او با پدر، مادر و برادرانش که در دل این بحران‌های روزمره سعی در حفظ انسجام و بقای خود دارند. السنوار از لحظاتی سخن می‌گوید که همراه با برادرش محمد، به اردوگاه‌های ارتش مصر می‌رود تا از سربازان مصری پسته بگیرند. این لحظات ساده اما عمیقاً انسانی، بخشی از واقعیت زندگی کودکان فلسطینی در آن دوران است. نویسنده با روایت این خاطرات، تضاد میان زندگی معصومانه کودکان و خشونت جنگ را به خوبی نشان می‌دهد. در ادامه، داستان به‌مرور دچار تغییراتی می‌شود و بحران‌های جنگ شدت می‌گیرد. خانواده السنوار، همچون بسیاری دیگر از خانواده‌های فلسطینی، مجبور به پناه گرفتن در سنگرهای موقتی می‌شوند. ترس و اضطراب ناشی از بمباران‌ها و حملات هوایی، فضایی تاریک و سرشار از وحشت را به وجود می‌آورد. در این بخش، نویسنده به تصویر ترس‌های کودکی خود در برابر وحشت جنگ می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه خانواده‌اش سعی می‌کنند در این شرایط سخت و دشوار زندگی خود را حفظ کنند.

با بیشروی کتاب، السنوار به خاطرات جوانی خود و درگیری‌های مستقیم با نیروهای اسرائیلی می‌پردازد. او از اولین تجربیات خود در مقاومت فلسطین و نقش فعالش در درگیری‌های مسلحانه سخن می‌گوید. از همان دوران، السنوار به یکی از رهبران جوان مقاومت اسلامی در غزه تبدیل می‌شود. او از ماجراهای دستگیری‌های مکرر خود توسط نیروهای اسرائیلی و سال‌های طولانی حضور در زندان‌های اسرائیلی صحبت می‌کند. یکی از لحظات تأثیرگذار کتاب، توصیف اعتصاب‌های غذایی است که السنوار و دیگر اسیران فلسطینی در زندان‌ها رهبری می‌کردند. این اعتصاب‌ها که در زندان‌های مختلف برگزار می‌شد، نشانگر اراده قوی و مقاومت اسیران فلسطینی در برابر ظلم و ستم رژیم اسرائیل است. بخشی از کتاب به نقش السنوار در تأسیس سازمان استخباراتی حماس، به نام «المجد» و تلاش‌های او در سازماندهی فعالیت‌های امنیتی مقاومت اسلامی اختصاص دارد. این بخش از کتاب به‌طور خاص بر نقش او در جمع‌آوری اطلاعات و مقابله با نفوذ سازمان‌های امنیتی اسرائیل تأکید دارد. السنوار در کتاب «خار و میخک» بخشی از تجربیات خود در حماس را به اشتراک می‌گذارد و توضیح می‌دهد چگونه این جنبش از یک نیروی محلی به یکی از بازیگران اصلی مقاومت فلسطین در نوار غزه تبدیل کرده است. او در طول سال‌های زندان و اسارت، ارتباطات و سازماندهی میان نیروهای مقاومت فلسطینی را هدایت می‌کرد. این اقدامات نه‌تنها شامل رهبری اعتصاب‌های غذایی و مقاومت‌های مدنی در زندان‌های اسرائیل بود، بلکه او توانست جنبش‌های مقاومت را در خارج از زندان نیز هماهنگ کند. السنوار همچنین از تجربیاتش در زندان و چگونگی حفظ روحیه مبارزاتی در میان اسیران فلسطینی می‌گوید. او مدت ۲۲ سال از عمر خود را در زندان‌های اسرائیلی گذراند و در این مدت توانست نقش کلیدی در رهبری اسرای فلسطینی ایفا کند. علاوه‌بر خاطرات شخصی و مبارزات السنوار، کتاب به زندگی روزمره مردم فلسطین در زمان جنگ و اشغال نیز می‌پردازد. نویسنده به توصیف وضعیت خانواده‌ها، روابط اجتماعی و تلاش‌های آنان برای بقا در میان شرایط سخت جنگی اشاره می‌کند.

او از تعاملات روزانه با همسایگان، بازی‌های کودکانه و حتی نزاع‌های کوچک میان کودکان در اردوگاه‌ها سخن می‌گوید؛ لحظاتی که نشان می‌دهد چگونه زندگی حتی در سخت‌ترین شرایط نیز ادامه دارد. نثر السنوار گرچه ساده است اما به‌شدت زنده و پر از جزئیات است. او با دقت و مهارت صحنه‌های زندگی روزمره در اردوگاه‌های پناهندگان، لحظات سخت جنگ و تعاملات انسانی را بازگو می‌کند. این توصیفات، خواننده را به قلب این تجربیات می‌برد و او را با واقعیت‌هایی روبه‌رو می‌کند که ممکن است از دور شنیده باشد اما هرگز به این وضوح تجربه نکرده باشد.

کتاب «خار و میخک» نه‌تنها روایتی از زندگی شخصی یک قهرمان نام‌آشنا و خاطرات او در جریان جنگ و اسارت است، بلکه تمایانگر تجربه جمعی یک ملت است که در برابر اشغالگری و سرکوب ایستادگی می‌کند. السنوار با استفاده از زبان ساده و روان، تجربیات عمیق و پیچیده خود را به تصویر می‌کشد. این کتاب به خوانندگان یادآور می‌شود در پس هر مبارزه و هر نبرد، انسان‌هایی با داستان‌های فردی و جمعی وجود دارند که برای آزادی و کرامت خود مبارزه می‌کنند. از این رو، خار و میخک نه‌تنها یک روایت تاریخی، بلکه اثری الهام‌بخش از پایداری و امید به آینده‌ای با فلسطین آزاد است. کتاب توسط دوستان السنوار در زندان‌های رژیم صهیونیستی پنهان شده بود تا از دسترسی مأموران اسرائیلی محفوظ بماند و پس از سال‌ها انتشار نشان از اهمیت و تأثیرگذاری این اثر در تاریخ مقاومت فلسطین دارد.

تأملی در باب رمان «خار و میخک» نوشته یحیی سنوار

چریک جامعه‌شناس

ادامه از صفحه ۱

۲ رنج و امید

دوگانه «خار و میخک» در عنوان کتاب، استعاره‌ای از واقعیت زندگی فلسطینیان است. خار نماد رنج، سختی و فشارهایی است که به‌طور روزمره در زندگی تحت اشغال و به‌ویژه در زندان‌ها با آن روبه‌رو می‌شوند. درمقابل، میخک نمادی از زیبایی، امید و عشق است که در دل این سختی‌ها تزه‌می‌رساند. این تقابل از عناصر کلیدی رمان است و سنوار به‌وضوح نشان می‌کند نشاط دهد حتی در تاریک‌ترین لحظات زندگی، همچنان باز ه‌های امید وجود دارد. حضور دوم خار و میخک به رنج و امید می‌پردازد که یکی از مفاهیم کلیدی و تمثیلی رمان است. سنوار در این محور تلاش می‌کند تا نشان دهد این رنج و سختی‌های زندگی تحت اشغال و زندان را، با امید و زیبایی که همچنان در دل این سختی‌ها تزه‌می‌ماند، نشان دهد. این تقابل نه‌تنها بین خار و میخک به‌عنوان عناصر اصلی عنوان رمان، به خوبی بیانگر مبارزه‌ای است که در زندگی روزمره فلسطینی‌ها به‌ویژه زندانیان جاری است. خار نماد نی رنج، سختی، فشار و دشواری‌هایی است که فلسطینی‌ها در مواجهه با اشغالگری، خیس شکنجه و سم تجربه می‌کنند. این خارها در سراسر زندگی آنها حضور دارند و نشان‌دهنده چالش‌های مداومی است که با آن مواجه‌اند. شرایط زندان، فشارهای روحی و جسمی و ناامیدی‌هایی که از وضعیت سیاسی و اجتماعی ناشی می‌شود، همگی از مصادیق این خارند. میخک درمقابل، نمادزیبایی، امید، عشق و مقاومت است که حتی در سخت‌ترین شرایط نیز می‌تواند زنده بماند. این گل زیبا، برخلاف محیط خشن و دشوار خار، نمادی از امید به آینده و بهبودی است. میخک نشان می‌دهد در دل همه این سختی‌ها، هنوز هم جایی برای امید و نور وجود دارد. این امید ممکن است در قالب عشق به سرزمین، امید به آزادی، یا حتی روابط انسانی و پیوندهایی که میان زندانیان شکل می‌گیرد، بروز کند.

سنوار در این رمان از طریق شخصیت‌ها و داستان‌های فرعی، به این نکته می‌پردازد که چگونه رنج‌ها و فشارهای زندان و زندگی تحت اشغال، تأثیرات عمیقی بر روح و روان افراد دارد. اما در همین حین، او نشان می‌دهد چگونه امید به عنوان یک نیروی قوی می‌تواند در مقابل این رنج‌ها قرار بگیرد و افراد را به ادامه زندگی و مقاومت وادارد کند. رمان خار و میخک به‌شدت به رنج‌های فیزیکی و روانی که زندانیان و فلسطینی‌ها به‌طور کلی تجربه می‌کنند، توجه دارد. شرایط ناگوار زندان، شکنجه، دوری از خانواده و بلاتکلیفی‌های سیاسی، همگی نمادهایی از این رنج‌هایند. در این وضعیت، بسیاری از شخصیت‌ها به نوعی با احساس ناامیدی و ناتوانی مواجه می‌شوند. این رنج‌ها می‌توانند انسان‌ها را به مرز شکست روانی برسانند و گاه آنها را از مقاومت بازدارند. با این حال، سنوار به دقت نشان می‌دهد که در دل این رنج‌ها، امید و عشق همچنان زنده است. امید به آینده، آزادی، بازگشت به خانه و خانواده و حتی عشق به هم‌زمان و دوستان، می‌تواند نیرویی قدرتمند برای مقابله با ناامیدی باشد. عشق به سرزمین فلسطین و آرمان آزادی نیز در این میان نقشی کلیدی ایفا می‌کند. سنوار از طریق شخصیت‌های مختلف، این پیام را منتقل می‌کند که حتی در تاریک‌ترین شرایط، امید همچنان می‌تواند به عنوان نیروی محرک برای ادامه مقاومت باقی بماند.

تقابل بین رنج و امید به نوعی بازتاب دهنده قدرت روحی شخصیت‌های رمان است. هرچند فشارها و رنج‌ها می‌توانند آنها را به مرز شکست برسانند اما نیروی امید به عنوان یک عنصر حیاتی، آنها را زنده نگه می‌دارد و به آنها انگیزه ادامه مبارزه را می‌دهد. این قدرت روحی به‌ویژه در لحظاتی که شخصیت‌ها با تصمیم‌های سخت و دشواری‌های طاقت‌فرسا روبه‌رو می‌شوند، به نمایش گذاشته می‌شود. یکی از پیام‌های مهم رمان این است که حتی در شرایطی که همه چیز علیه فرد است، امید به آینده و تغییر شرایط می‌تواند نیرویی قوی برای ادامه زندگی و مقاومت باشد. سنوار نشان می‌دهد حتی در دل زندان‌ها و تحت شدیدترین فشارها، انسان‌ها همچنان به بهبود و تغییر شرایط امید دارند. این امید ممکن است کوچک و شکننده به نظر برسد اما می‌تواند تفاوت بین تسلیم شدن و مقاومت کردن باشد.

۳ عشق و انسانیت

برخلاف تصور عمومی از زندگی زندانیان سیاسی که ممکن است تنها خول مسائل مبارزاتی و سیاسی باشد، در این رمان نشانه‌هایی از عشق، دلبستگی‌های انسانی و احساسات عمیق به چشم می‌خورد. سنوار در رمان خود نشان می‌دهد حتی در میان دیوارهای زندان و در برابر فشارهای سخت، عشق و دلبستگی‌های انسانی همچنان وجود دارند و می‌توانند نیرویی قوی برای مقاومت و ادامه زندگی باشند. این عشق، نه‌تنها میان انسان‌ها، بلکه عشق به سرزمین، آزادی و آرمان‌های مشترک است. یحیی سنوار در این محور به شکلی عمیق به جنبه‌های انسانی، عاطفی و اخلاقی مبارزه فلسطینی‌ها می‌پردازد. برخلاف تصوری که ممکن است از مبارزان و زندانیان سیاسی وجود داشته باشد، این رمان نشان داده می‌شود مبارزه و مقاومت تنها درباره مسائل نظامی و سیاسی نیست، بلکه جنبه‌ی انسانی و عاطفی نیز دارد که تأثیر عمیقی بر شخصیت‌ها و تصمیم‌هایشان می‌گذارد. در این رمان، سنوار بر این نکته تأکید دارد که عشق، حتی در شرایط دشوار زندان و اشغال، همچنان وجود دارد و به عنوان یک نیروی قوی برای ادامه زندگی و مقاومت عمل می‌کند.

عشق به خانواده: بسیاری از شخصیت‌های داستان درحالی‌که دور از خانواده‌هایشانند، همچنان به آنها عشق می‌ورزند و این دلبستگی به خانواده یکی از منابع اصلی قدرت آنها برای تحمل سختی‌های زندان است. امید به دیدار دوباره با خانواده یا بازگشت به خانه، نقشی محوری در روحیه و انگیزه آنها برای ادامه مبارزه دارد.

ب) عشق به سرزمین: عشق به فلسطین و آرمان آزادی ازجمله موضوعات محوری رمان است. شخصیت‌های رمان حتی در بدترین شرایط، به عشق به سرزمین خود پایبندند و همین عشق است که آنها را به ادامه مقاومت وامی‌دارد. این عشق، چیزی فراتر از احساسات شخصی است و به یک آرمان بزرگ‌تر، یعنی آزادی و عدالت برای مردم فلسطین مرتبط است.

ج) عشق به همزمان و هم‌رنجیری‌ها: در محیط زندان پیوند‌های عمیقی میان زندانیان شکل می‌گیرد. این پیوند‌ها نه‌تنها به دلیل همدردی یا وضعیت مشترک‌شان است، بلکه به عنوان یک نوع عشق انسانی و اخلاقی به یکدیگر نیز دیده می‌شوند. زندانیان با حمایت از یکدیگر و ایجاد روابط نزدیک، از لحاظ روانی و عاطفی یکدیگر را تقویت می‌کنند و این روابط به یک نیروی بزرگ از سنون‌های شخصی خود از دوران طولانی حبس در زندان‌های اسرائیل، به خوبی توانسته به عمق این مبارزه روانی بپردازد و آن را به عنوان یک عنصر کلیدی در مقاومت فلسطینی‌ها به تصویر بکشد.

سنوار به شکلی هنرمندانه رابطه میان عشق و مبارزه را نشان می‌دهد. برخلاف تصور رایج که مبارزه معمولاً با خشونت و خشم همراه است، در این رمان عشق به عنوان یکی از انگیزه‌های اصلی مبارزه معرفی می‌شود. شخصیت‌های داستان نه از سر نفرت، بلکه از سر عشق به سرزمین، آزادی و مردم خود مبارزه می‌کنند. این عشق است که مبارزه آنها را معنادار و عمیق‌تر می‌کند و به آنها قدرت می‌دهد تا در برابر دشواری‌ها ایستادگی کنند. یکی از جنبه‌های مهم این محور، مبارزه درونی شخصیت‌ها میان احساسات انسانی‌شان (عشق) و شرایط سخت و سختی است که در آن قرار دارند. این مبارزه درونی به یکی از موضوعات کلیدی رمان تبدیل می‌شود. شخصیت‌ها گاه مجبور می‌شوند تصمیم‌های دشواری بگیرند که میان عشق به دیگران و وظایف مبارزاتی‌شان تضاد ایجاد می‌کند. اما سنوار نشان می‌دهد چگونه این شرایط نیز عشق و انسانیت به عنوان نیروهای غالب باقی می‌مانند و شخصیت‌ها را از درون قوی‌تر می‌کنند. در محور عشق و انسانیت، یحیی سنوار تلاش می‌کند نشان دهد مقاومت فلسطینی‌ها در برابر اشغال نه‌تنها بر پایه سیاست و جنگ، بلکه بر پایه عشق به زندگی، خانواده، سرزمین و همدردی شکل گرفته است. این عشق، نیرویی است که به شخصیت‌ها توانایی می‌دهد تا در برابر فشارهای شدید روانی و جسمی مقاومت کنند و انسانیت خود را حتی در دل سخت‌ترین شرایط حفظ کنند. سنوار در این محور به عمق روابط انسانی و تأثیرات عشق بر مقاومت و ایستادگی پرداخته و نشان می‌دهد عشق می‌تواند یکی از قوی‌ترین و نیرومندترین انگیزه‌های برای ادامه مبارزه در برابر ظلم باشد.

۴ مقاومت به‌عنوان یک جهاد روانی

یکی از پیام‌های اصلی رمان این است که مقاومت فلسطینی‌ها تنها یک مبارزه نظامی یا فیزیکی نیست، بلکه یک جهاد روانی و عاطفی است. در این راستا، نویسنده می‌خواهد نشان دهد مقاومت نیازمند قدرت روحی و روانی بالایی است. شخصیت‌های داستان با فشارهای روانی سنگینی روبه‌رو بوده اما از طریق این مقاومت درونی به نیرو و انگیزه‌های بیشتری دست می‌یابند. محور چهارم رمان خار و میخک به مقاومت به عنوان یک جهاد روانی می‌پردازد. در این محور، یحیی سنوار نشان می‌دهد مبارزه فلسطینی‌ها در برابر اشغالگری و ظلم، به‌تنها یک نبرد نظامی یا فیزیکی است، بلکه جنگی عمیق‌تر در جریان است که به شکل یک جهاد روانی و روحی انجام می‌گیرد. سنوار با توجه به تجربه‌های شخصی خود از دوران طولانی حبس در زندان‌های اسرائیل، به خوبی توانسته به عمق این مبارزه روانی بپردازد و آن را به عنوان یک عنصر کلیدی در مقاومت فلسطینی‌ها به تصویر بکشد.

جهاد روانی در این رمان به مبارزه‌ای اشاره دارد که در سطح ذهن و روح انسان رخ می‌دهد. این نوع مبارزه، شامل روبارویی با فشارهای روانی، احساس ناامیدی، ترس، افسردگی و تلاش برای حفظ اراده و انگیزه در شرایط دشوار است. درحالی‌که جهاد فیزیکی به مبارزه مسلحانه و مقاومت در برابر دشمن در میدان نبرد مربوط می‌شود، جهاد روانی به جنگ درونی انسان با ناامیدی‌ها و فشارهای روحی پرداخته و حفظ امید و انگیزه را در شرایط سخت مطرح می‌کند. زندانی شدن و زندگی تحت شرایط سخت، به‌ویژه برای مبارزان فلسطینی، بخش بزرگی از مبارزه آنهاست. زندان به عنوان ابزاری برای شکستن روحیه و اراده زندانیان عمل می‌کند. در این شرایط زندانیان با فشارهای روانی زیادی روبه‌رو بوده، از جمله دوری از خانواده، شکنجه، بلاتکلیفی، فشارهای جسمی و روحی و تلاش‌های سیستماتیک برای تضعیف روحیه آنها. سنوار در این محور از رمان نشان می‌دهد چگونه شخصیت‌های داستان با این فشارهای روانی مقابله می‌کنند و چگونه این جهاد درونی بخش جدایی‌ناپذیری از مقاومت آنهاست.

یکی از موضوعات مهم در این محور، مقاومت در برابر شکست روحی است. شخصیت‌های داستان، هرچند تحت فشارهای شدید قرار دارند اما از طریق جهاد روانی سعی می‌کنند روحیه و اراده خود را حفظ کنند. سنوار نشان می‌دهد این مقاومت روانی در برخی موارد حتی از مبارزه فیزیکی دشوارتر است، زیرا انسان باید بتواند در برابر تسلیم شدن، یأس و ناامیدی مقاومت کند. تسلیم ناامیدی و شکست نشود. یکی با عنوان مهم جهاد روانی در رمان، حفظ امید و انگیزه برای ادامه مبارزه است. در شرایط زندان و تحت فشارهای سنگین، گاهی امید به تغییر شرایط یا آزادی از دست می‌رود و زندانیان ممکن است احساس کنند هیچ راهی برای نجات وجود ندارد اما شخصیت‌های رمان از طریق این جهاد روانی، بـا حفظ امید و ایمان به آینده، انگیزه خود را برای ادامه مبارزه حفظ می‌کنند. این امید، گاه از طریق پیوند‌های انسانی و عشق به خانواده یا سرزمین و گاه از طریق ایمان به عدالت و آرمان‌های مبارزه تقویت می‌شود. در این محور، سنوار به نقش همبستگی میان زندانیان و اهمیت حمایت روانی که از یکدیگر دریافت می‌کنند، توجه دارد. زندانیان در مواجهه با فشارهای روانی، از طریق ایجاد پیوند‌های محکم با یکدیگر و حمایت متقابل، تلاش می‌کنند تا این جهاد روانی را به صورت جمعی پیش ببرند. این همبستگی نه‌تنها به آنها کمک می‌کند تا فشارهای روانی را بهتر تحمل کنند، بلکه به آنها نیرو و انگیزه بیشتری برای مقاومت می‌دهد. یکی از نکات برجسته این محور، تقابل میان قدرت ذهنی و روحی زندانیان و فشارهای بیرونی است. درحالی‌که سیستم اشغالگر و زندان‌ها با ابزارهای فیزیکی و روانی سعی در شکستن اراده زندانیان دارند اما شخصیت‌های رمان نشان می‌دهند قدرت ذهنی و روانی می‌تواند این فشارها را خنثی کند. این تقابل به نوعی نشان دهنده ایمان به قدرت درونی انسان و توانایی او برای مقاومت در برابر هرگونه ستم و شکست است.

یکی دیگر از عناصر مهم جهاد روانی در این رمان، پیوند آن با ایمان به آرمان‌های بزرگ‌تر از مانند عدالت، آزادی و ایمان دینی است. سنوار به شخصیت‌های داستان می‌دهد که چگونه ایمان به یک هدف والاتر می‌تواند به زندانیان کمک کند تا از لحاظ روانی قوی‌تر شوند و تسلیم نشوند. این ایمان گاه به شکل باور به آزادی و گاه به شکل ایمان دینی و اعتماد به عدالت خداوند نمود پیدا می‌کند و به عنوان یکی از پایه‌های جهاد روانی عمل می‌کند. محور مقاومت به عنوان یک جهاد روانی در رمان خار و میخک به شکلی عمیق به نقش روان و روحیه در مبارزه فلسطینی‌ها می‌پردازد. سنوار از طریق این محور نشان می‌دهد مقاومت تنها یک نبرد فیزیکی نیست، بلکه نبردی درونی با احساسات، افکار و انگیزه‌های روانی نیز است.

تلک‌القضیه

رضا کردلو
کارشناس فرهنگی

«و برای شاعر همین بس، که وجدان ناآرام عصر خویش باشد.» - سن‌ژون پرس

در نگاه ابتدایی «خار و میخک» روزنه‌هایی یک فلسطینی است که خانواده‌اش بعد از ۱۹۴۸ مجبور به زندگی در اردوگاه‌های غزه شده‌اند اما یحیی سنوار نویسنده این رمان، این خاطرات روزمره را به داستانی پرکشش برای مخاطب تبدیل کرده است. داستانی که بیش از اینکه قصه یک فلسطینی باشد قصه فلسطین است. در دو توجمه‌ای که من از این کتاب خواندم غنای واژگان، قدرت توصیف، استفاده از نمادها و شرح درونیات شخصیت‌ها - که کاری دشوار در نویسندگی است - برجسته است. از آنجایی که این متن را طبعاً عمده کسانی که کتاب را نخواهانده‌اند از نظر خواهند گذراند به معرفی و توضیح آنچه از نظر من در خار و میخک واجد اهمیت است، می‌پردازم. خط سیر کتاب از کودکی شخصیت داستان در اواخر دهه ۶۰ میلادی تا انتفاضه ۲۰۰۰ را روایت می‌کند و در خلال این روایت به شرح حوادث مهم تاریخ فلسطین می‌پردازد. از نبردهای ۱۹۶۷، سرخوردگی پس از آن، پذیرش شکست تا یوم کیپور ۱۹۷۳ که می‌رفت نوید امید را در دل فلسطینیان روشن کند ولی نهایتا با توفیقی همراه نشد. این مقطع از کتاب همزمان با پررنگ شدن جنبه سیاسی نویسنده به خوبی توانسته تاثیر این تحولات را بر فضای اجتماعی و حتی روانشناسی فلسطینیان را نشان دهد. این بخش از رمان بخش دردناکی است. فلسطینیان برای گذران زندگی مجبور به پذیرش اسرائیلی شده‌اند و برای کار از زیرساخت‌های اسرائیلی مجوز می‌گیرند. معتقدان به مسیر مقاومت، به‌ویژه جریان فتح در آن مقطع این مجوزها را پاره می‌کنند تا این اتفاق گم‌هزینه نباشد. نویسنده اما با اینکه خود طرفدار مقاومت است به نحوی به توصیف وضعیت جیرآلود فلسطینیان متقاضی کار در سرزمین‌های اشغالی می‌پردازد که مخاطب هم بتواند شرایط فلاکت‌بار آن دست از فلسطینی‌ها را درک کند. سنوار در توصیف وضعیت آوارگان در اردوگاه‌های غزه، نه اغراق می‌کند و نه ساتسور. او ابایی از اینکه بنویسد شخصیت اصلی کتاب با شاید خودش در ۱۰ سالگی برای اولین بار برخی میوه‌ها را به چشم دیده، با اینکه بگوید یکی از کارآکترها - که اتفاقا پدرش از شهدای مقاومت است - به مزدوری برای اسرائیل تن می‌دهد، ندارد. به نظر می‌رسد جهان زیسته سنوار به عنوان دانشجوی تاریخ و ادبیات او را با این واقعیت آشنا کرده است که دوگانه هایی که در فضای اسلامی یا عربی یا ملی ساخته می‌شوند همگی جعلی‌اند. به همین خاطر است که در نگارش و توصیف راحت است. مخاطب کتاب طبعا این راحتی را درک خواهد کرد؛ چراکه مخاطب نیاز دارد ابتدا بپذیرد که آنچه می‌خواند آگرچه رمان است اما همگان همدات‌پنداری را برای او ایجاد خواهد کرد. در هر نوشته‌ای اولین دستاوبز ارتباط ایجاد همدات‌پنداری است و سنوار این را به خوبی فهمیده است. سنوار این رمان را در زندان نوشته است. تلاش سنوار هم همین است. شاید خیلی ساده می‌خواهد بگوید: «ما داشتیم زندگی‌مان را می‌کردیم.»

خار و میخک از جهات دیگر هم قابل تأمل است. برای توجه دادن مخاطبی که آن را می‌خواند:

اول، عدم تغییر در نظام مسائل سیاسی و اجتماعی، تکراری بودن دکتاب می‌گوید. انقلابیون عاشقند و شاعر. خار و میخک پر است از شرح عاشقی‌ها و عاشقان، عواطف و احساسات که روزه‌های زندگی‌اند. مکرر در این کتاب داستان خواستگاری و ازدواج و... می‌بینید. مکرر از عشق پدر و مادر به فرزند و بالعکس می‌خوانید. مکرر از روابط انسانی اجتناب‌ناپذیر می‌خوانید که گاهی به خشم و نفرت از نزدیک‌ترین بستگان هم منجر می‌شود و همه اینها شاید هم‌وزن مسائل سیاسی و بیش از آن در کتاب جاری دارند. همه برای اینکه این مهم تأکید شود که سنوار پیش از اینکه یک چریک باشد یک انسان قرن بیستمی علاقه‌مند به زندگی و عاشقانه هایش است. وطن را دوست دارد، طبیعت را نوازش می‌کند و البته به عنوان یک مسلمان به آداب و وظایفی که باید رعایت کند آشناست و نه‌تنها آشناست که عامل به آنهاست. و جالب است که در موارد متعددی مخاطبان را به اینکه شخصیت اصلی قصه او، احمد، چقدر به مسائل مذهبی مقید است توجه می‌دهد. شاید جایی از اندوه مالوف، ادیب و سیاستمدار و کهنه‌سرباز فرانسوی خواندم که: «روزگار چه شاعرانی را مجبور به جنگیدن کرد و جنگجویان چه شاعرانه به مسلخ مرگ رفتند.» همه

مردگان این سال عاشق‌ترینِ زندگان بوده‌اند

عاطفه جعفری
دبیرگروه فرهنگ

رمان از در تاریکی زندان به نگارش درآورده اما نگاهش به روشنی است، انگار که از همان رمان شروع نگارش کتاب، برایش مشخص است که باید مسیری سخت را بپود و این را می‌شود در همه کلمات رمانش دید. یحیی سنوار که امروز نامش برای همه دنیا شناخته شده است، در کنار چریک بودن، در کنار اینکه فکر می‌کند تا شاخه نظامی حماس را چطور متولد کند تا مبارزه‌اش را با رژیم صهیونیستی پنهان شده بود تا از همان زمان تولد در خان یونس در همه دگرگیری هایی که به وجود می‌آمد، نگاهش هم به مبارزه بود، هم نوشتن را دنبال می‌کرد، در دانشگاه زبان عربی خواند. زندان رفت اما زندان رفتن پایانی برای او نبود، از همان ابتدای حضور در زندان می‌خواهد که زبان عبری یاد بگیرد، کتابش را به زبان عبری می‌نویسد.

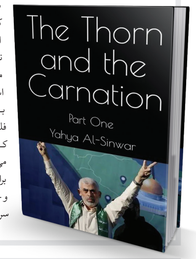

کتاب سرشار از نماد است، نماد هایی که نشان‌دهنده عزم او برای مبارزه‌اش هم از کودکی است. «خار و میخک» یا رویت یک کودک فلسطینی از اردگاهی که زندگی می‌کنند آغاز می‌شود. زندگی‌ای که هنوز برای کودک پنج ساله مبارزه و جنگ معنایی ندارد و سربازان مخصوصاً سربازان مصری را به چشم دوستانی می‌بیند که باید از آنها پسته روزانه‌اش را بگیرد. اما این مدل نگاه دوامی ندارد. کودک داستان با مفهوم جنگ و مبارزه آشنا می‌شود، آنجایی که بمباران اردوگاه‌ها شدت می‌گیرد و پدر و عمویش برای دفاع رفته‌اند و می‌گوید: «شدت و قدرت انفجارها زیاد شد و خیلی نزدیک شد و معلوم گردید که خانه‌های غربی زاحمت‌تأثیر قرار داده است و با هر انفجار جدید وحشت و فریاد و زاری علی‌رغم تلاش برای آرام شدن بیشتر می‌شد. به دهانه سنگر نزدیک شدم و به احاگروش دادم و دیدم که مادرم وزن عمویم خبر جدید را می‌شنیدند. عایشه به احاگروش می‌داد و در حین شنیدن اخبار شروع به گریه و زاری کرد و پاهایش دیگر توان تحمل او را ندا‌شتند. به همین دلیل به زمین افتاد و لحظاتی گذشت و زمزمه کرد: یهودیان کشور را اشغال کردند. لحظاتی با سکوت گذشت...»

سنوار در این کتاب، سعی کرده تا از ریشه‌های مقاومت بگوید، اینکه چطور مقاومت در فلسطین شکل گرفت و به اینجا رسید، از انقلاب سنگ در سال ۱۹۸۷ می‌گوید. سؤال طرح می‌کند و به نظر می‌رسد این سؤال‌ها بیشتر برای خواننده کتاب است تا بیشتر با او هم‌راه شود. در جایی از کتاب پیش‌بینی‌هایش را در قالب سؤال می‌آورد: «آیا اوضاع به همین منوال خواهد ماند؟ و آیا آنها با نیروهای بزرگ به اردوگاه حمله نمی‌کنند؟ یا آنجا را با توپ بمباران نمی‌کنند و بر سر کسانی که در آنجا نمی‌سوزانند؟ نظرها متفاوت بود، اما این نظر که باید ثابت قدم بود، غالب بود و قاعده‌ای که تکرار می‌شد این بود: چه چیزی را از دست می‌دهیم؟ ما فقط محدودیت در دنیا و پیسوزی در آخرت داریم، پس ترس چیست؟ اینجوری همه صحبت‌ها تمام شد، اینکه یک دقیقه با خدا زندگی کردن با سربلندی و عزت، بهتر از ۹ هزار سال زندگی زیر گلیم سربازان اشغالگر بودن است. این گفت‌وگوها فقط در اردوگاه ما نبود، بلکه در همه اردوگاه‌های نوار غزه جریان داشت. در خیابان‌های مصری را به چشم دوستانی می‌بیند که باید از آنها پسته روزانه‌اش را بگیرد. اما این مدل نگاه دوامی ندارد. کودک داستان با مفهوم جنگ و مبارزه آشنا می‌شود، آنجایی که بمباران اردوگاه‌ها شدت می‌گیرد و پدر و عمویش برای دفاع رفته‌اند و می‌گوید: «شدت و قدرت انفجارها زیاد شد و خیلی نزدیک شد و معلوم گردید که خانه‌های غربی زاحمت‌تأثیر قرار داده است و با هر انفجار جدید وحشت و فریاد و زاری علی‌رغم تلاش برای آرام شدن بیشتر می‌شد. به دهانه سنگر نزدیک شدم و به احاگروش دادم و دیدم که مادرم وزن عمویم خبر جدید را می‌شنیدند. عایشه به احاگروش می‌داد و در حین شنیدن اخبار شروع به گریه و زاری کرد و پاهایش دیگر توان تحمل او را ندا‌شتند. به همین دلیل به زمین افتاد و لحظاتی گذشت و زمزمه کرد: یهودیان کشور را اشغال کردند. لحظاتی با سکوت گذشت...»

شهرها و روستاها یا در بسیاری از مناطق کرانه باختری و غزه، مقاومت در سراسر کشور به شدت شروع شد، برخی از آنها سازمان‌یافته و بسیاری از آنها فردی و ابتکارات محلی از سوی آزادگان و مردان ملت، ما اخبار می‌شنیدیم، مخصوصاً در مورد کارهای برجسته مقاومت در اردوگاه جبالیا، که نزدیک به اردوگاه ما بود...»

بخشی از کتاب، نگاه و توجه یحیی سنوار به جنایتی است که در فلسطین اشغالی می‌افتد و در هیچ جای دنیا تکرار نمی‌شود. «ما مثل دیگران نیستیم؟! داستان ما داستان ایزلندی‌ها، خمرهای سرخ یا پاکستانی‌ها نیست، این یک داستان فلسطینی است، داستان برتری‌طلبی است.» این بخش کتاب مؤید حرف‌های در شروع کتاب است که می‌گوید: هر چیزی در این کتاب، کاملاً واقعی است؛ با آن را زیسته‌ام و یا بسیاری از این رویدادها را از زبان کسانی که خود و خانواده‌ها و همسایگانشان در طول دهه‌ها در سرزمین عزیز فلسطین تجربه کرده‌اند، شنیده‌ام و دیده‌ام.» کتاب در ۳۰ فصل روایت شده و احمد، راوی داستان اکودکی ما را همراه با خودش می‌کند. احمد در خانواده‌ای پرجمعیت و در اردوگاه‌های

خون دل خوردن و خون دل نوشتن

مریم قضائی
خبرنگار گروه فرهنگ

تاریخ فلسطین، پر از شهدایی است که خونشان آنها را ماندگارتر از قبل کرده است؛ خونی که جوشیده و توانسته قرار از یک ملت، مبارز برای مبارزه با اسرائیل آماده کند. یکی از ماندگارترین قهرمانی‌های شهادت، مختص یحیی سنوار است؛ مردی که زندگی‌اش، سرشار از لحظات و کارهای بزرگ بود و مرگش هم سکاتس استثنایی از او را به جهانیان نشان داد. او در اعماق تاریک‌ترین زندان‌ها، روح س